

کرزي طی یک دهه چه میراثی از خود بجا گذاشت؟؟؟

(انواع پدیده های منفی چون: تنگ سالاری ، ماجراجویی ، خویشخوری ، رشوت ستانی ، بی

مسئولیتی ، چوروچپاولگری ، زورگویی ، منطقه پرستی ، روزگذرانی، و ...)

« قسمت نهم – صباح »

دروزارت خارجه ونماینده گی های سیاسی چه میگذرد؟



کسی که بر شرافت خار میزد

به کشور مردمش را دار میزد

دیدم با بوجی دالر به کابل

ز قانون و عدالت جار میزد .

جهان امروز دنیایی بیوسته است که هر موج وسلطه گری در نقطه یی از جهان میتواند در منطقه دیگری اثر گذار د، دولتهای جهان سوم برای رسیدن به دموکراسی تنها نباید باوضاع وشرايط داخلی توجه کنند ، بلکه توجه خاصی به عملکردی دست اندرکاران سیاست خارجی مبذول بدارند . بلی ! واقع گرا یی و نگرش دایم به بازیکنان شطرنج سیاست جهان میتوانند در پیروزی سیاست مردمی مؤثر باشند . کاری مؤثر سیاسی ودیپلوماتیکی اشخاص فهیم وکارفهم ونگرش آنها به برقراری عدالت اجتماعی و احترام بفرهنگ اقوام و ادیان اقلیتهای مذهبی میتواند به همبستگی ملی را سرعت بخشد . اما برعکس نظامهای خودکامه وضد مردمی ، که پایه های حکومت خودوبخصوص سیاست غیرمؤثرخارجی را بردوش جیره خواران حرفه ای بنا میکنند و اجزاء حکومت آنها از بی هویت ترین وجایلوس ترین افراد جامعه انتخاب میگردند و مردم را نادیده میگیرند، پایان حقارت بارودردناك درپیش خواهند داشت .

برخی کارشناسان داخلی و خارجی معتقدند که افغانستان با درنظرداشت دریافت کمک از دیگر کشورهای جهان در سیاست خارجی خود با محدودیت هایی مواجه است برخی کشورهایی که حضور نظامی و سیاسی گسترده درافغانستان دارند به عوض کمک های خود، اهداف و خواسته های خاص خود را دنبال می کنند که درتعارض با منافع ملی افغانستان است . اما نباید زمامداران در روابط خود

با این کشورها منافع ملی را قربانی کمک های خارجی کند. در خصوص پیامدهای حضور نیروهای خارجی بر سیاست خارجی، دولت برای خارج شدن از پیامدهای منفی این حضور باید تلاش میکرد حضور این نیروها را قانونمند مینمود. ایالات متحده امریکا حامی و همکار نزدیک افغانستان، ولی سیاستی را دنبال می نماید که بر مبنای آن خویشتن را مسوول نمی داند تا علیه کمکاری پاکستان در امر مبارزه با تروریسم موضع گیری شدیدی داشته باشد.

عدم موفقیت سیاست خارجی کرزی و وزارت خارجه، میتوان از لاینحل ماندن موضوع برگشت ویاتعین سرنوشت مهاجرین در ایران، پاکستان، اندونزی، یونان...، قطع تجاوز و راکت بازی پاکستان، جلب و کمکهای فراوانی دول خارجی، مهارانجو ها و دلالات بین المللی و سیاست موثر و مستقل خارجی طی این مدت اشاره نمود، مشکل عمده و اساسی تعیین سرنوشتی غربت نشینان بود که برای حل این مشکل توجه قابل ملاحظه ی از طرف وزارت عودت مهاجرین، وزارت امور خارجه و سفارت خانه های افغانستان در کشورهای منطقه و فرامنطقه، جای که تعداد زیاد افغانان مهاجر زنده گی میکنند، صورت نگرفت. سفارت خانه ها و نماینده گی های سیاسی و ادارات وزارت مهاجرین، که بررسی مشکلات مهاجرین جز وظیفه آنان می باشد، کاری را در زمینه انجام نداده اند، بلکه برعکس از مشکلات مهاجرین که در وضع دشواری قرار دارند به نفع شخصی خود استفاده نمودند.

اکثریت این مقامات کاروبار تجارتی در کشورهای خارجی دارند، و در نتیجه، به جای بهبود وضع مهاجرین، درباره تجارت و پیداویناه خود مصروف و مشغول هستند، که رئیس جمهور کرزی، از وضع آگاهی لازم نیز ندارد. در تمام سفارتخانه هاشمی از انسانهای بی مسولیت و استفاده جوکه از بستگان و اقارب قدرتمداران دولت و یا به اساس تعلقات سیاسی با دبل عبدالله و رنگین داد فرسپینتا تقرر حاصل نموده اند (نگارنده در بررسی بعدی این چهره ها را افشاء خواهد کرد). برای افغانستان عامل مهم سیاست خارجی سرمایه گذاری های بین المللی و حجم کمک های خارجی محسوب میشود. در پلان های کرزی، که اودر باره آنها در هر محل و مکانی باقرقره صحبت نموده اند، ایجاد شرایط برای سرمایه گذاری های وسیع در شهرهای بزرگ، با پیروی از مثال سنگاپور، شامل بود ولی تا به حال درین مورد مسولیت پذیری وطنی و کاری دلسوزانه صورت نگرفته است. کمکهای نسبی که درکشور آمده از طریق بانک های خارجی به خارج منتقل گردید و در عین حال بخشی قابل ملاحظه دیگر آنرا انجو هابه جیب زدند.

مناسفانه بحران کنونی که شامل، تولید و ترافیک مواد مخدره، فساد اداری و رشوت، فعالیت طالبان، چوروچپاول جنگسالاران و کابینه بی کفایت و حضور نیروهای مسلح خارجی میگردد. عمدتاً این بحران از جانب مقامات رهبری و مدیریت میشود دولت و ملت را به چالش کشانده اند، تشویشی که امروز ملت

راسراسیمه ساخته اینست ، در صورت خروج نیروهای خارجی از کشور جنگ داخلی وسیع آغاز خواهد شد ، که انعکاسات به مقیاس جهانی را در بر خواهد داشت. ازین امر میتوان نتیجه گیری نمود ، که حوصله مندی و زمان برای ساختن دولت قوی متمرکز ، با اردو و پولیس موثر ، به مساعدت کشورهای دیگر ضروری پنداشته می شد که متاسفانه دیگر از دست رفته است.

آمریکایی هادرجریان لشکرکشی ادعا کردند که دوران گذار افغانستان و رسیدن به جامعه ای مدرن امن باثبات و دمکراتیک بزودی فرامی رسد ولی در اندک زمانی ناامنی ها از همان مناطقی که آمریکایی ها و سایر نیروهای ناتو در آن حضور داشتند به سرعت گسترش یافت و مواد مخدر بیش از هر زمان دیگری در همان مناطق کشت و قاچاق آن روبه افزایش گذاشت ، نیروهای ائتلاف در کارنامه حضور بیش از ده ساله خود به اعتراف فرماندهان نظامی و سیاستمداران غربی دستاوردی جز فقر و گرسنگی فساد و بی عدالتی کشتار و ناامنی و گسترش تولید مواد مخدر برای مردم نداشته و نه تنها قادر به تامین امنیت برای کشور نشدند بلکه نتوانستند حتی امنیت لازم را نیز برای نظامیان خود تامین کنند. ائتلاف که ابتدا با وعده های چرب و نرم پنجاه هزار نیروی نظامی روانه کشور نموده و بعدها تعداد این نیروها و کارمندان سیاسی و نظامی آن تا مرز صد و چند هزار نفر رسید آنچنان فرتوت و بی روحیه شده اند که اعتراف به شکست تنها صدایی است که از اینجا و آنجا به گوش می رسد.

آنچه که در بالا از آن تذکره عمل آمد و همه این ناشدنها، تنبلی ها، تغافلها ، بی مسوولیتها، استفاده جویی ها و روزگمیها مربوط میشود به هیت رهبری دست اندرکاران سیاست خارجی کشور و بخصوص وزارت خارجه و ناگذیر باید مکتبی کوتاهی داشته باشیم به کارکردهای مختصری این چهره های بی مسوولیت و چوکی پرست و وند باز.



عبدالله (دبل عبدالله) : در سال هشتاد و چهار به معبد گاهی همفکرانش به پاکستان می رود و از آنجا به پنجشیر می رود تا جنگ سالار شود و با سقوط حکومت داکتر نجیب از سال هفتاد و یک تا سیزده هفتاد و پنج خورشیدی عینی چوروچپاول ، کشتن و بستن و بردن ، ویرانی و بربادی ملت و میهن و سیه روزی و فلاکت مردم افغانستان در کابل به حیث رییس دفتر و سخنگوی وزارت دفاع (وزیر دفاع احمد شاه مسعود بود)

وظیفه اجرا کرده و یک سال پس از فرار از کابل در حکومت جیلسراج معاون وزارت خارجه دولت نام نهاد ربانی گردید. عبدالله بعد از سقوط طالبان در اداره موقت و بعداً در دوره انتقالی، زمان دالربازی و چور و چپاول و معامله و سرسپردگی به خارجیها وزارت خارجه را در چنگال بخشی کنفرانس نامتجانس بن اشغال نمود.

خودوي ميگويد: ... در سال سيزده شصت و چهار از راه چترال به نورستان و پنجشير آمده، شامل جبهه پنجشير شدم. از پاکستان تا پنجشير، فاصله حدود يازده روز را پياده و يا سوار بر اسب طی کردم تا وارد جبهه پنجشير شدم. قبل از آمدن به جبهه پنجشير، دوستان و تعدادی از اعضای خانواده اصرار داشتند که به غرب بروم و تحصیلاتم را در رشته طب ادامه دهم؛ اما تصمیم خودم این شد که به صف جهاد بپیوندم و در پهلوی مجاهدین در جبهه پنجشير به حیث داکتر ایفای وظیفه نمایم. پس از ورود به جبهه پنجشير، با آمر صاحب شهید (احمد شاه مسعود) آشنا شدم...

باقی دوران را با آمر صاحب (احمد شاه مسعود) بودم. در آن زمان در پنجشير و شمال افغانستان تشکیلاتی بود به نام شورای نظار که تحت چتر جمعیت و زیر نظر آمر صاحب فعالیت می کرد. من هم در این تشکیلات، به عنوان دستیار با آمر صاحب همکار بودم...

عبدالله که مهره کلیدی دولت مصلحت گرای کرزی بود (وزیر خارجه) و اکنون اکت اپوزیسیونی مینماید و به خود چهره منتقد رژیم را گرفته از طرح مصالحه دولت با طالبان می خواهد سود سیاسی ببرد.

در حالیکه که رهبري اداره نام نهاد صلح را ربانی و اکنون بالاي این میراث پسرش صلاح الدین ربانی نیشخوار میزند. عبدالله با پرروي و دیده درایی هر زمانی که از سفر غرب باز میگردد از صلح، دموکراسی و مردم سالاری سخن میگوید، اما مردم ما فراموش نمیکنند که جنایات، چپاولگری ها، تجاوز بر ناموس مردم و دوزخ ساختن کشور بوسیله گروپ جهادی شورایی نظار که عبدالله یکی از مهره های این باند بود. همین خیانت و جنایاتی تنظیم جمعیت بود که پاکستان زمینه را مساعد دیده طالبان را بر مردم ما تحمیل کردند. حتی رهبران عبدالله در ابتدا از طالبان حمایت کردند، ربانی آنان را فرشته های صلح نامید و احمد شاه مسعود با آنان به مذاکره نشست و گفت اهداف ما و شما کاملاً یکیست. (در میدان شهر) مردم ماهیچ زمانی از اداره فاسد و چپاولگر کنونی که امتحان داده اند به خوشبختی نخواهند رسید.

{ البته یک مشت اوباش و استفاده جوي که بخاطر دزدی و چپاول در ادارات پر درآمدی داخلی و کرسی های دیپلماتیکی خزیده اند از این امر مستثنی است} این اداره زمانی میتواند نیست موفقانه عمل نماید و اعتماد مردم را جلب کند که انسانهای چپاولگر و خود فروخته ي چون عبدالله و باند فساد پیشه اش مورد

بازخواست و پیگرد قانونی قرار می‌گیرد و از جانب دیگر مسوولیت ادارات دولتی بدست افراد صادق و خدمتگار وطن و مردم می‌باید.

دبل عبدالله و امرالله صالح (مشهور به کلینر صالح) یونس قانونی (مشهور به شیخ وفانی) ملا مارشال فهیم (مشهور به مارشال کچالو و مارشال بینی) بسم الله محمدی (مشهور به بسم الله غول) تازمانیکه در چوکی و قدرت قرار دارند عاشقان سینه چاک دولت اند و از دموکراسی و مردمسالاری و حقوق بشر سخن می‌گویند و هر زمانی که از چوکی به زیر آمدند و مجاهد و مقاومت گروپکول پوش میشوند و دموکراسی و آزادی و مردمگرایی را حرام میدانند.

آقای احمد کابلی مینویسد: ... کسانی که با عبدالله رابطه نزدیک دارند، او را آدم بی سواد، بی کفایت، هرزه، زن باره، و بی تعهد می دانند. مهم تر از همه او را دارای رفتار دوخصلتی می شناسند که ترکیب از رفتار زنانه و مردانه میباشد. علاقه شدید او به عطریات، استفاده از لوازم آرایش زنانه، افراط در خرید لباسهای گرانبها، اداهای زنانه و خیلی چیزهای دیگر از جمله پدیده های اندکه در اخلاق و رفتار عبدالله مشاهده میگردد و این پدیده ها در جامعه افغانستان رفتار و اخلاق زنانه تعریف میشوند. بعضی ها دلیل زن باره بودن عبدالله را مشکلات دوران فامیلی او میدانند که در هر صورت، این گونه اخلاق و رفتار برای یک مدیر سیاسی عیب بسیار برجسته و ضعف آشکار تلقی میگردد. بر علاوه اینها، عبدالله فاقد تقید و تعهد به ارزشها و نورمهای مروج در مناسبات دوستی میباشد که در این راستا به هیچ معیاری تعهد و تقید ندارد...

همچنان عبدالله در برنامه تلویزیون پنجره در امریکا نقطه نظرهای خود را در مورد جنایتکاران جنگی، مردم، محاکم قضایی و عمداتا در باره ای تاریخ سه ده ای اخیر بیان نموده است. وی به جواب گرداننده این تلویزیون گفت- مسله ای جنایتکار جنگی یک اصطلاح است. و انتباه هرکس از آن فرق میکند. که را می توان مجرم جنگی خطاب کرد؟. در افغانستان محاکم قانونی برای محاکمه ای جنایتکاران وجود ندارد. و... و...

عبدالله خیلی ماهرانه از کودتایی کمونیستی شروع نموده و از حضور ارتش سرخ یاد آوری کرد. درین جا از جنگ و مقاومت علیه اشغال با آب تاب فراوان یاد آوری نمود اما از شکست کمونیست تا آمدن طالبان را ماهرانه در دو کلمه خلاصه نموده و یکبارہ طالبان و القاعده و مبارزه ای جهانی علیه این گروه را به بحث گرفت.

اموئی در تلویزیون طلوع که در برابر سوالی گرداننده این شبکه که چرا جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر و چپاولگرانی دارایی عامه به محاکمه کشیده نمیشود و ژورنالیست میپرسد، با آمدن نظام جدید و پشتیبانی ممالک غرب و آمریکا در افغانستان چرا زمینه ای محاکمه ای جنایتکاران و ناقضین حقوق بشر مهیا نشد. بر علاوه تعداد زیادی از همین جنایتکاران در پست های حساس حکومتی و دولتی

جای گرفتند. آیا آنان مستحق چنین ریواری بودند و یا هستند. عبدالله با این سوال سخت گیر افتاد. در مملکتی که دارای قانون اساسی، ریس جمهور منتخب و همچنان پارلمان و با پشتیبانی هزاران سرباز امریکایی است. محاکم قانونی وجود نداشته باشد تا به دوسیه های سیاه چند قلدر، قاچاقبر مواد مخدر و جنایتکار رسیده گی شود. اما عبدالله گاهی نمی خواهد راجع به جنایاتی که دار و دسته شورای نظار در کابل بصورت خاص مرتکب شده اند حرفی بمیان آرد. او ماهرانه مدت دو سال جنگ و ویرانی را با یک کلمه خلاصه کرده و آمدن طالبان و القاعده را یاد میکند. دبل عبدالله همانطوریکه در آمریکادر برابر ی سوالی خانمی که می پرسد شما میلیون نهادالرا از خارجها گرفتید و ووی ناگذیر به اعتراف میگردد.

ویدیوی اعتراف دبل عبدالله :

<http://www.youtube.com/watch?v=bCQk6bM6hTA>

دوران حاکمیت دبل عبدالله در وزارت خارجه شاید یکی از بدترین دوران باشد که وزارت خارجه افغانستان به خود دیده و مایوسانه و سوگمندانه کشیده است. ضعیف، روزگزاران و ناآگاه ترین اشخاص در پستهای سیاسی و در کرسی های وزارت خارجه مقرر گردید و تاکنون نیز درین کرسی هاما نند لتهای سلطان محمود لمیده اند.

سوگمندانده ده ها دیپلومات سفیر و جنرال قونسل در خارج از کشور را سراغ داریم که اضافه از ده سال میشود از حقوق و امتیازات عالی برخوردار اند و اشخاصی هستند که در طی بیست سال کار و ماموریت خود در وزارت خارجه به خارج نرفته اند. مشت نمونه خروار اشخاص و افرادی که در پستهای و کرسی های دیپلوماتیکی و سیاسی کشور در عیش و عشرت زنده گی دارند اینان اند و در گزارش بعدی باتفصیل خواهم نوشت.

قهار عابد ریس دفتر، جنرال قنسل در کراچی و مسوول عمومی گارد حفاظتی عبدالله و فعلا ریس بخش فرهنگی وزارت امور خارجه، کیان احدی که همشیره اش خانم عبدالله است و مسوول قنسل سفارت افغانستان در کانادا و صمد عمر که ده سال در سفارت نیشخوار میزد و اکنون نیز سفیر در اروپا است. ثاقب سکرتر اول قنسل در کراچی و مستشار در دهلی نو...، مسعود خلیلی که نزدیک به دودهه میشود از خوان سفارت خود و خانواده اش را تغذیه می مینماید، مسلم سرخه اتشه نظامی در لندن، حاجی راشد الدین خسر برده احمد شاه مسعود - جنرال قونسل در دبی که در دوران وزارت دبل عبدالله و اکنون نیز به يك امپراطور تبدیل شده و ووی هیچگونه تحصیلی نیز ندارد - نزدیک به ده سال میشود بصفت شار دافیر در ابوظبی و بعدا جنرال قونسل در دبی حکمروایی دارد.

نصیر احمد نور بیش از ده سال در نماینده گی سیاسی افغانستان در کویت و قطر کار نمود و فعلا بصفت سفیر در امارات عربی تقرر یافته و همانطور فضل الرحمن فاضل رئیس قونسل که ده سال در سفارت

افغانستان در هند و جنرال قونسل درین مشغول بودواکنون نیز در تلاشی تقرر بصفت سفیر است ،
ابراهیمی دردی و خانمش در ابوظبی و همچنان از بی بندوباری و چپاولگری در سفارت افغانستان
در برلین و واشنگتن همه اطلاع دارند.



بقیه گزیده های مقالات (صبح) اینجا کلیک نماید

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : انجنیر هما یوسفی
صاحب امتیاز : انجنیرنجیب یوسفی
کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد